

پایه :	۶	موضوع :	اصول ۳
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۶	ساعت :	۸

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: اصول الفقه، از اول اجتماع امر و نهی تا پایان جلد ۲

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. مسأله اجتماع امر و نهی از مسائل ... می‌باشد. ۳۲۴ ا
- أ. غیر مستقلات عقلیه ب. مستقلات عقلیه ج. مبحث الفاظ د. علم کلام
۲. بین دو مثال «إذا شککت فابن علی الأكثر» و «لا شک لکثیر الشک» چه رابطه‌ای وجود دارد؟ ا ۵۵۵
- أ. حکومت ب. ورود ج. تخصیص د. تخصّص
۳. «الشک فی نجاسة العصیر العنبی إذا غلا» چه نوع شبهه‌ای است؟ ا ۶۰۰
- أ. حکمیّه ب. تحریمیّه ج. موضوعیّه د. وجوبیّه
۴. إن أدلّة حجّیة خبر الواحد جمیعها - من الآیات و غیرها - أقصى دلالتها أن تصدیق الثقة... ب ۱۱۶
- أ. واجبٌ فی اعتقاده ب. واجبٌ فی نقله ج. جایز فی اعتقاده د. جایز فی نقله

سؤالات تشریحی:

۱. مراد از «مندوحه و عدم مندوحه» در بحث اجتماع امر و نهی چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید. ۳۲۶
- اگر مکلف مضطرّ به جمع بین امر و نهی نباشد مثلاً می‌تواند انقاز غریق کند بدون اینکه وارد ملک دیگری شود در اینجا گفته می‌شود «در مقام امتثال، مندوحه وجود دارد» یعنی مکلف قدرت دارد امر را در غیر مورد امتثال کند. ولی اگر مکلف مضطرّ به جمع بین امر و نهی باشد (کمن اضطرّ لانقاز غریق الی التصرف فی أرض مغصوب) گفته می‌شود: در مقام امتثال، مندوحه ندارد.

۲. با توجه به بحث استصحاب، واژه‌های زیر را همراه با مثال تعریف کنید. ۶۳۸
- أ. شک در مقتضی ب. شک در مانع
- أ. المراد بالشک من جهة المقتضى: الشک من حيث استعداده و قابلیتته فی ذاته للبقاء کالشک فی بقاء اللیل و النهار.
- ب. المراد منه الشک فی طرّو ما یرفع المستصحب مع القطع باستعداده و قابلیتته للبقاء لولا طرّو المانع کالشک فی حدوث البول مع العلم بسبق الطهارة.

۳. «اجماع لطفی» را تعریف کرده، یکی از ویژگی‌های این اجماع را بنویسید. ۴۶۲
- اگر علمای عصر معصوم یا زمان‌های متأخر بر مسأله‌ای اتفاق داشته باشند و از معصوم هیچ ردعی از هیچ راهی نسبت به این اتفاق، ظاهر نشود عقل کشف می‌کند که معصوم نیز همین رأی را دارد چون در غیر این صورت باید به مقتضای قاعده لطف، از معصوم ردعی ظاهر می‌شد. خصوصیات: ۱. مخالفت غیر معصوم از علماء ضرری به این طریقه نمی‌زند البته تا وقتی که برهانی بر صحت نظرش نداشته باشد.
۲. این اجماع در صورت وجود آیه یا سنت قطعی بر خلاف مجممین، کاشف نخواهد بود.

۴. نظر محقق قمي (ره) درباره حجیت ظواهر کتاب چیست؟ ب. یک نقد بر آن بنویسید.

أ. ظواهر کتاب فقط برای «مقصودین بالافهام» حجت است ب. بر فرض این که تفصیل محقق قمی (رحمته الله) را بپذیریم می‌گوییم محل بحث، مصداق این کبرای کلی نیست چون معلوم است که احکامی که در قرآن آمده برای همه مکلفین است و اختصاص به مشافهین ندارد و به مقتضای عمومیتش، نباید دارای قرائنی باشد که بر غیر مشافهین مخفی باشد. و اما در رابطه با سنت نیز می‌گوییم: بیشتر احادیثی که در دست است نسبت به همه مکلفین عمومیت دارد و در مواردی که به صورت خاص وارد شده به قاعده اشتراک، شامل غیر موردش نیز می‌شود.

۵. مقدمات دلیل انسداد را بیان کنید. آ ۳۸۹

۱. دعوی انسداد باب العلم والعلمی فی معظم أبواب الفقه. ۲. أنه لا يجوز إهمال امثال الأحكام الواقعية المعلومه اجمالاً ولا يجوز طرحها فی مقام العمل. ۳. الأخذ بالأصل الجاری فلا یصح أيضاً لوجود العلم الاجمالی بالتکالیف. ۴. بعد ابطال الرجوع الی الحالات الثلاث ینحصر الامر فی الرجوع الی الحالة الرابعة فی المسائل التي یقوم فیها الظن.

۶. دلیل عقلی اهل سنت، بر «حجیت قیاس» چیست؟ آن را نقل و نقد کنید. ۵۳۵

گفته‌اند ما می‌دانیم یقیناً حوادث عالم بی‌نهایت است و از طرف دیگر می‌دانیم نصوص و روایات، متناهی و محدود هستند و محال است متناهی تمام احکام غیر متناهی را بیان کند و فرا بگیرد فلذا برای جبران نواقص ناچار باید به قیاس عمل کنیم و تنها مرجع قیاس است. نقد: غیر متناهی بودن حوادث جزئی را قبول داریم و لکن واجب نیست که در هر حادثه جزئی از طرف شارع نصّ بیاید، بلکه کافی است که داخل در یکی از عمومات گردد و امور عامه هم که محدود هستند و نصوص همه را شامل می‌شوند.

* فی مکاتبة عبدالله بن محمد إلى أبي الحسن (عليه السلام): اختلف أصحابنا فی روايتهم عن أبي عبدالله (عليه السلام) فی رکعتی الفجر فی السفر، فروى بعضهم أن صلَّهما فی المحمل، و روى بعضهم أن لا تصلَّهما إلَّا علی الأرض، فأعلمنی کیف تصنع أنت لأقتدی بک فی ذلك؟ فَوَقَّعَ (عليه السلام) «موسعَ علیک بأیة عملت». ۷. در فرض تعارض دو خبر، قائلین به تخییر به کدام فراز استدلال کرده‌اند؟ توضیح دهید. ب. اشکال مرحوم مصنف بر این استدلال را بیان کنید. ۵۷۲

۱. شاهد قائلین به تخییر جمله «فوسَّعَ علیک بأیة عملت» است می‌گویند، مقصود این فراز این است که: به هر کدام از دو روایت عمل کنی جایز است. ۲. مرحوم مصنف می‌فرماید: ممکن است مراد امام (عليه السلام) تخییر در روایتین نباشد بلکه تخییر در مرویین مراد باشد (یعنی حکم واقعی در دو رکعت فجر در حال سفر به نحو تخییر می‌باشد یعنی انسان مکلف است به دو رکعت فجر ولی به نحو تخییر نه این که هر دو روایت را می‌شود به نحو تخییر عمل کرد می‌فرماید این احتمال قریب است جداً زیرا سائل از فعل خود امام (عليه السلام) سؤال کرد نه از کیفیت عمل به متعارضین).

* و قد استدللَّ لحجیة خبر الواحد بأیة النبأ «إِنْ جَاءَ كُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات/۶). ۴۲۹
۸. وجه استدلال به آیه شریفه «نبأ» بر حجیت خبر واحد را بیان کنید.

علقت الآیة وجوب التبیّن والتثبت علی مجيء الفاسق فیظهر منه بمقتضى مفهوم الشرط أن خبر العادل لیس له هذا الشأن بل الناس لهم أن یبقوا فیہ علی سجتیهم من الأخذ به وتصدیقه من دون تثبت وتبیّن لمعرفة صدقه وكذبه من جهة خوف إصابة قوم بجهالة وطبعاً لا یكون ذلك إلَّا من جهة اعتبار خبر العادل وحجیته.

✽ قال زرارة: قلت له: الرجل ينام و هو على وضوء، أوجب الخفقة و الخفقتان عليه الوضوء؟ ... قال لا، حتى يستيقن أنه قد نام ... و لا ينتقض اليقين بالشك
ابداً - قال المصنف: إن كون اللام في «اليقين» للجنس غير كاف في التعميم بل ظهور الصحيحة في التعميم لمناسبة الحكم و الموضوع. ٦٢٦
٩. مصنف چگونه اثبات می کند که مقصود از «يقين» مطلق يقين است؟ توضیح دهید.

الظاهر ارادة مطلق اليقين لمناسبة الحكم و الموضوع فان المناسب لعدم النقض بالشك بما هو شك هو اليقين بما هو يقين لا بما هو يقين بالوضوء لأن
المقابلة بين الشك و اليقين و اسناد عدم النقض الى الشك تجعل اللفظ كالصريح في أن العبرة في عدم جواز النقض هو جهة اليقين بما هو يقين لا اليقين
المقيد بالوضوء من جهة كونه مقيداً بالوضوء.